

بررسی تطبیقی چالش‌های انتقال اموات به مکان‌های مقدس میان شیعیان ایران و هند در دوره قاجار

زیبا غفوری (نویسنده مسئول)^۱

حمید حاجیان پور^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تطبیقی چالش‌های انتقال اموات به اماکن مقدس میان شیعیان ایران و هند در عصر قاجار است. پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است. براساس یافته‌های تحقیق شیعیان هند و ایران در انتقال اجساد به شهرهای مشهد، قم و عتبات عالیات کوشیدند، اما با گسترش بیماری‌های مسری، دولت‌ها برای مقابله با انتشار بیماری، در نقاط مرزی اقدام به ایجاد قرنطینه نموده و از ورود اجساد آلوده جلوگیری کردند و ایرانیان و هندی‌ها در انتقال اجساد با چالش‌هایی مانند پرداخت حق گمرکی، بازرسی اجساد، تهیه گواهی روبه‌رو شدند. نوآوری پژوهش حاضر در بررسی تطبیقی باوری واحد میان دو جغرافیای متفاوت ایرانی و هندی است. براساس نتایج تحقیق شیوع بیماری‌های مسری منجر به اعمال قوانین سخت در این زمینه شد و مردم به روش‌های گوناگون مانند توسل به افراد بانفوذ، تهیه مدارک تقلبی برای اجساد یا قاچاق به انتقال اموات به اماکن مقدس پرداختند.

کلیدواژه: ایران، دفن اموات، شیعیان، عتبات عالیات، قاجار، مشهد، هند.

۱. دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام ghafory.ziba@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز hhajianpour@yahoo.com

مقدمه

در طول تاریخ، ادیان همواره جزئی از فرهنگ و تمدن بوده‌اند. ادیان و مذاهب در میان مردم رسوخ کردند و به تدریج جزئی از فرهنگ و تمدن‌های بشری شدند. دین اسلام پس از ظهور، مناطق وسیعی از جمله ایران را تحت تأثیر قرار داد. سرزمین‌های مختلف پس از پذیرش دین اسلام و مذهب تشیع آن را در فرهنگ خویش پذیرفتند و سپس به انتشار آن همت گماشتند. از آن پس فرهنگ و تمدن ملل مختلفی همچون ایران، آمیخته‌ای از اندیشه‌های اسلام و آداب پیشین تمدن‌های مذکور بود. مردم ایران نیز در انتشار عقاید و باورهای فرهنگ ایرانی - اسلامی کوشیدند. در این میان همسایگی ایران و هند از دیرباز سبب مراودات فرهنگی و تمدنی گسترده‌ای میان دو ملت شد؛ از آن جمله می‌توان به انتشار عقاید مذهب تشیع در سرزمین هند به واسطه رفت‌وآمد ایرانیان شیعه و مهاجرت آنها در برهه‌های مختلف تاریخ به آن سرزمین اشاره کرد. از این رو همواره آداب و فرهنگ و رسوم مختلف دینی و ملی ایران و هند از جمله رسم دفن اموات در اماکن مقدس تا حد زیادی با یکدیگر قابل تطبیق و مشابه بوده است. به‌طور کلی تاریخچه دفن اموات در اماکن مقدس و متبرک به صدر اسلام بازمی‌گردد؛ پس از آن نیز در جوامع شیعه این رسم تا عصر قاجار رایج بود؛ اما در دوره قاجار به سبب شیوع بیماری‌های مسری، دولت‌ها به مقابله با انتقال اجساد پرداختند؛ بنابراین در مرزهای ایران و عثمانی با ایجاد قرنطینه‌ها و مقابله جدی با انتقال اجساد، چالش‌های متعددی برای همه شیعیان، از جمله شیعیان ایران و هند پدید آمد؛ اخذ گمرک از اجساد، واری اجساد در جست‌وجوی نشانه بیماری‌های مسری، ممانعت از گذر اجساد که کمتر از سه سال از مرگ آنها گذشته و نیز اجساد که به واسطه بیماری مسری از دنیا رفته بودند و گاه پس‌زدن و امحا کردن آن در مرزها از چالش‌هایی بود که ایرانیان و هندیان با آن درگیر بودند؛ از این رو مردم دست به قاچاق اجساد به شیوه‌های مختلف و راهکارهایی از این قبیل زدند.

هدف این پژوهش بررسی تطبیقی چالش‌های موجود در زمینه انتقال اموات به اماکن مقدس در میان شیعیان ایران و هند در عصر قاجار است. به عبارت دیگر پژوهش حاضر در پی یافتن چالش‌های انتقال اجساد به اماکن مقدس میان شیعیان ایران و هند و تطبیق و مقایسه آنها در دوره قاجار است.

در زمینه موضوع پژوهش حاضر، تاکنون اثر جامع و کاملی صورت نگرفته است؛ فقط در برخی مقالات اشاراتی به مسئله پژوهش، و تنها در باب انتقال اجساد از ایران به عتبات و در مواردی جزئی به دیگر اماکن مقدس همچون مشهد دیده می‌شود؛ در ادامه به برخی از پژوهش‌های مذکور اشاره می‌شود. شهرو ماشینی ماهری در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر کاروان‌های زیارتی و دفن مردگان در عتبات عالیات بر مناسبات ایران و عثمانی (۱۳۴۳-۱۲۶۴ق)» به بررسی پاور انتقال اموات از ایران به عتبات عالیات و شیوه‌های آن در عصر قاجار به پرداخته است. نویسنده در این مقاله مشکلات و پیامدهای این عمل را برای ایرانیان ارائه کرده است. علیرضا گلشنی و همکاران نیز در مقاله «نگاهی بر سنت انتقال مردگان به اماکن مقدس و پیامدهای آن در دوره قاجار» به روند انتقال اجساد ایرانیان به عتبات عالیات و سایر مکان‌های مقدس و برخی مشکلات آنها در عصر قاجار پرداخته‌اند. داریوش رحمانیان و ثریا شهبواری در مقاله‌ای به نام «جایگاه عتبات عالیات در مناسبات ایران و عثمانی در عصر قاجار» از سنت انتقال مردگان سخن گفته و اطلاعات و گزارشاتی در این زمینه ارائه کرده‌اند. صبری آتش نیز در مقاله‌ای به نام «نخش‌کشی به عتبات (رقابت ایران و عثمانی در عراق سده ۱۹ میلادی)» به مسئله انتقال اموات از ایران به عتبات پرداخته و از دشواری‌هایی که در مرزها در هنگام انتقال اجساد وجود داشت، سخن گفته است. محمدحسن رازنهان و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جایگاه اقتصادی عتبات عالیات در روابط ایران و عثمانی در دوره صفوی» به بررسی پیشینه این رسم در میان ایرانیان در عصر صفویه پرداخته‌اند. در نهایت با توجه به خلا موجود در زمینه بررسی

وجوه تطبیق و تشابه مشکلات و چالش‌ها در زمینه انتقال اموات به اماکن مقدس در میان شیعیان ایران و هند لزوم انجام پژوهش حاضر ضرورت دارد.

روش

در این پژوهش نخست با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و مراکز اسناد، داده‌های لازم جمع‌آوری شد؛ سپس داده‌ها مجدداً مطالعه و بررسی شد و در ادامه با تجزیه و تحلیل داده‌ها، مطالب صورت‌بندی و تنسیق شد و به نگارش درآمد.

بررسی پیشنهادی دفن اموات در اماکن مقدس

دفن اموات در اماکن مقدس یکی از رسوم و آداب مذهبی شیعیان ایران و هند در عصر قاجار بود. در این دوره شیعیان به شدت به این رسم پایبند بودند و هرکس توان مالی و امکان این کار را داشت، از انجام آن فروگذار نمی‌کرد. نه تنها اشراف و بزرگان بلکه حتی برخی سلاطین قاجار مانند آغامحمدخان قاجار و مظفرالدین شاه نیز در عتبات عالیات و فتحعلی شاه در کنار مرقد حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شدند. (جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴: ۲۱۸؛ حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۱ / ۶۷۰-۶۶۷؛ سپهر، ۱۳۸۶: ۲ / ۱۰۹۱)

برخی پیشنهادی این رسم را در صدر اسلام و عصر خلفای راشدین می‌دانند. دفن در کنار قبر پیامبر و قبرستان بقیع به عنوان محلی متبرک و مقدس در صدر اسلام از سوی خلفای راشدین و ائمه اطهار وصیت و رعایت می‌شد. ابوبکر و عمر پس از مرگ به وصیت خود نزد پیامبر به خاک سپرده شدند. (طبری، ۱۳۶۵: ۴ / ۱۵۶۵؛ الممتقی الهندی ۱۴۲۴: ۱۲ / ۶۸۹) عثمان و چهار نفر از ائمه یعنی امام حسن (ع)، امام سجاد (ع)، امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) نیز در بقیع دفن شدند. (مفید، ۱۴۱۳: ۲ / ۱۳۸؛ جعفریان، ۱۳۸۲: ۳۲۲)

پس از آن در دوره آل بویه نیز این رسم برقرار بود. (جنید شیرازی، ۱۳۲۸: ۳۶۸-۳۶۷؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۴/۱۶۴) این باور بر این اساس شکل گرفت که مردم تصور می‌کردند اگر در کنار مرقد ائمه و امامزادگان به خاک سپرده شوند، بی‌تردید در سرای آخرت مورد مغفرت الهی و توجه ائمه قرار خواهند گرفت. به باور آنان این عمل سبب آمرزش گناهان آنها شده و شفاعت ائمه (به واسطه قرب و نزدیکی) شامل حال آنها می‌گردد؛ از این روزه مجازات و عذاب الهی در قیامت نجات می‌یابند. بر اساس احادیثی از پیامبر اکرم (ص) چون مؤمنی بمیرد، گورها از مرگ او روشن و نورانی می‌شود. چنین روایاتی در افزایش علاقه مردم به دفن در اماکن مقدس دامن می‌زد. (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹: ۷/۲۳۸-۲۳۷) بر این اساس اشراف، اعیان و بزرگان که امکان فراهم نمودن هزینه‌های این کار را داشتند و گاه مردم عادی تأکید داشتند پس از مرگ اجساد آنها در اطراف مرقد ائمه در نجف و کربلا و نیز در ایران در مشهد و قم و حرم حضرت عبدالعظیم حسنی به خاک سپرده شود. لیدی شل در عصر قاجار در خاطرات خود به این موضوع اشاره نموده است: «... با اینکه این کار عاقلانه‌ای به نظر نمی‌رسد، معلوم نیست چه سری در کار نهفته است که این ملت تصور می‌کند با انتقال جسدشان به اماکن مقدس آرامشی جاودانی برای آنها فراهم خواهد شد». (شیل، ۱۳۶۲: ۱۵۳)

مذهب تشیع توسط ایرانیان به سرزمین هند وارد شد؛ از این رو در طول تاریخ اندیشه‌ها و باورهای شیعیان هند تا حد زیادی متأثر از اندیشه‌های شیعیان ایران بوده است. افزون بر این ارتباط مستمر میان ایران و هند در طول تاریخ دو کشور، باعث تأثیر باورهای مردمان دو کشور بر یکدیگر شد. در این میان باور به دفن اموات در مکان‌های مقدس و تأثیر آن در زندگی اخروی، اندیشه‌ای است که حداقل از دوره صفویه به صورت مشترک در میان شیعیان ایران و هند دیده می‌شود. (نوروزی و ربیعی، ۱۳۹۴: ۱۷۵-۱۶۸؛ شاردن، ۱۳۷۴: ۴/۱۵۳۶) انتقال جنازه‌های شیعیان هند به مقابر امام هشتم شیعیان (ع) در مشهد و حضرت معصوم (س) در قم و نیز انتقال به عتبات عالیات در این دوره

صورت گرفت. گفته شده مهاجرت گسترده شیعیان ایران و از جمله سادات مقیم ایران به حوزه حکمرانی سلاطین دهلی در دوران تیموریان و حتی پیش از آن از جمله عوامل مؤثر در گسترش حضور شیعیان در شبه قاره هند و نیز انتقال این باور در میان شیعیان آن سرزمین گردید. (رضوی، ۱۳۷۶: ۱ / ۲۵۷-۲۵۲؛ نوروزی و ربیعی، ۱۳۹۴: ۱۷۵-۱۶۸) کمی بعد در دوره حکومت صفویان شیعی برایان و بابریان یا تیموریان بر هند این مراودات گسترده تر شد و بالطبع تأثیر و تاثرات فرهنگی و تمدنی دو کشور بر یکدیگر آشکارتر و گسترده تر گردید. مهاجرت شیعیان ایران به حوزه شبه قاره هند در دوره صفوی نیز همچنان ادامه یافت. این افراد در دستگاه حکومتی بابریان نفوذ کردند و به مناصب بالایی دست یافتند، با این حال تا زمان مرگ سرزمین مادری خویش را فراموش نکردند و همواره در آرزوی بازگشت به ایران بودند. این افراد به واسطه عشق به وطن و نیز به جهت اعتقاد به تأثیر شفاعت ائمه در زندگی اخروی، معمولاً در هنگام مرگ وصیت می کردند که جنازه آنها پس از مرگ به ایران منتقل شده و در جوار مرقد امام رضا (ع) دفن گردد. برای مثال می توان به ایرانیانی همچون «محمدبیرام بهارلو» ملقب به خان خانان اشاره نمود که در دستگاه همایون پادشاه تیموری به مقام سردار سپاه نائل شد. وی در هنگام مرگ وصیت کرد جنازه اش به مشهد منتقل و در جوار امام رضا (ع) دفن گردد. (بداونی، ۱۳۷۰: ۳ / ۱۳۴) افزون بر این «وکیل السلطنه» فرد ایرانی تبار دیگری است که در خدمت اکبرشاه تیموری خدمت می کرد و وصیت کرد جنازه اش به مشهد منتقل شود. گفته شده چون در هنگام مرگ امکان انتقال جنازه وی مهیا نشد، در سال ۹۷۱ ق حدود سه سال پس از مرگش، جنازه وی به مشهد منتقل و در کنار مرقد امام رضا (ع) دفن شد. (بداونی، ۱۳۷۰: ۳ / ۱۳۴) میرزاقلی میلی هروی، شاعر ایرانی تبار دیگری است که در عصر صفویه در دربار گورکانیان هند حضور داشت و بنا به وصیتش، پس از مرگ جنازه اش به مشهد منتقل شد و کنار مرقد امام رضا (ع) دفن گردید. (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۲ / ۱۳۸۷) البته برخی شیعیان ایرانی مقیم هند

نیز در آرزوی دفن در کنار مراقد ائمه در عتبات بودند؛ برای مثال گفته شده عرفی شیرازی شاعر دربار اکبرشاه گورکانی، خواستار دفن جنازه‌اش در کنار مرقد امام علی (ع) بود و سی سال پس از مرگش بالاخره به وصیت او عمل شد و جنازه‌اش به نجف منتقل گردید (شمیل، ۱۳۸۶: ۲۹۳).

بر اساس مطالب مذکور به نظر می‌رسد برای نخستین بار شیعیان مهاجر ایرانی باور مذکور را در میان شیعیان شبه‌قاره هند گسترش دادند و به تدریج این باور را در میان آنها نهادینه نمودند؛ به طوری که این رسم تا دوره قاجار همچنان پابرجا مانده و شیعیان هند در انتقال جنازه‌های خود به مشهد و عتبات اصرار داشتند. افزون بر این با توجه به اسناد و مدارک موجود به نظر می‌رسد در دوره قاجار این باور در فرهنگ مردمان دو کشور قوت بیشتری یافته است. اگرچه در دوره قاجار ارتباط سیاسی دو کشور به گستردگی دوره صفویه نبود، مردمان دو سرزمین به واسطه همسایگی، تجارت و نیز پیوندهای فرهنگی، مذهبی ریشه دار همچنان با یکدیگر مرتبط بودند.

بررسی نحوه انتقال اجساد به اماکن مقدس

عمل انتقال اجساد به اماکن مقدس در فرهنگ دینی مردم شیعه مذهب ایران ریشه داشت، اما این عمل در دوره قاجار گاه به روش‌های نامناسبی صورت می‌گرفت که در نهایت به بروز بیماری و مشکلات متعدد منجر می‌شد. منابع آن دوره نیز به این امر چنین اشاره نموده‌اند: «تابوت زهوار در رفته‌ای از ترکه‌های چوبی که بر پشت قاطری بسته شده بود و بسیاری از آنها را از صدها فرسنگ دورتر، از ایران و هند آورده بودند...» (Cowper, 1894: 372).

به طور معمول این کار به شیوع بیماری‌های واگیردار دامن می‌زد و گاه مرگ بسیاری دیگر را در پی داشت. بدین ترتیب به جای آنکه آمرزیده شدن را در پی داشته باشد،

به گناه نیز ختم می‌شد. در ادامه شرحی از روند این عمل و نظرات و سخنان سیاحان عصر قاجار در این زمینه ارائه می‌شود.

معمولاً پس از مرگ افراد (کسانی که از پیش وصیت کرده بودند جسد آنها را در مکان‌های مقدس دفن کنند)، ابتدا جسد آنها در مکانی به امانت سپرده می‌شد؛ جنازه‌ها معمولاً در برخی مساجد، مدرسه‌ها و نیز در گورستان‌ها و کنار امامزاده‌ها یا مکانی دیگر به امانت سپرده می‌شدند؛ مثلاً گفته شده جنازه آغامحمدخان مدتی در شوشی (محل قتل وی در قفقاز) و سپس مدتی در بقعه حضرت عبدالعظیم در شهر ری به امانت سپرده شد و در نهایت در سال ۱۲۱۲ق جنازه وی به نجف منتقل شد و در آن محل به خاک سپرده شد. (حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۱ / ۶۷۰-۶۶۷)

بر اساس منابع معمولاً جنازه فردی را که قرار بود به اماکن مقدس حمل شود پس از مراسم غسل و پوشاندن کفن، در گوری کم عمق قرار داده و روی قبر با سنگی نه چندان محکم می‌پوشانند. (به طوری که بعداً به راحتی کنار زده شود) (سرنا، ۱۳۶۳: ۱۵۵-۱۵۴) گفته شده پس از پایان مراسم عزاداری و احتمالاً هنگام انتقال جنازه به اماکن مقدس، جنازه را از گور موقتی خارج کرده و با لایه‌ای از خاک‌اره پوشانده و سپس آن را در نمدی سفیدی می‌پیچانند و برای انتقال به سایر مکان‌های مقدس راهی می‌شود. (Ussher, 1865: 439)

پس از مدتی اجساد به کربلا، نجف، مشهد و یا دیگر محل‌هایی که برای دفن در نظر گرفته شده و متوفی به آن وصیت کرده بود، منتقل می‌گردید. در این میان به واسطه اعتقاد شدید شیعیان به امام علی (ع) و امام حسین (ع) در ایران معمولاً انتقال اجساد به عتبات عالیات بیش از سایر مکان‌ها مورد نظر بود و در هند بیشتر مرقد امام هشتم شیعیان در مشهد مدنظر قرار داشت. برای این کار معمولاً کاروان‌های زیارتی یا تجاری با خود اجساد را منتقل می‌کردند و گاه نیز کاروان‌هایی مختص انتقال اجساد به راه می‌افتاد. در این راستا

گاه اجساد توسط نزدیکان فرد متوفی به اماکن مقدس منتقل می‌شد. معمولاً پس از مرگ افراد، هنگامی که یکی از نزدیکان وی قصد سفر به عتبات، مشهد مقدس یا دیگر اماکن مقدس و زیارت داشت، جسد به وی سپرده می‌شد تا در محل مورد نظر به خاک سپرده شود. در مورد آغامحمدخان و انتقال جسد وی به نجف ذکر شده است که حدود دو سال بعد از مرگ وی، فردی به نام میرزا موسی قاجار از سوی فتحعلی شاه مأموریت یافت، جسد شاه سابق را به نجف منتقل نموده و ترتیب دفن او را در آن دیار فراهم نماید. (حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۱/۱: ۶۷۰-۶۶۷)

افزون بر این مادام کارلا سرنا نیز در خاطرات خود از انتقال اجساد توسط افراد خانواده در هنگام سفر زیارتی سخن گفته است. به گفته وی در ایران در مواقعی از سال مردم برای سفرهای زیارتی آماده می‌شوند؛ در این میان اگر یکی از آنها خویشاوندی متوفی داشته باشد و قصد دفن آن را در اماکن مقدس داشته باشند، جسد را از خاک بیرون آورده و در کنار دیگر اسباب سفر به همراه خود به مکان مورد نظر برده و در آنجا دفن می‌کنند. (سرنا، ۱۳۶۳: ۵۷-۵۶)

همچنین گاه انتقال جسد توسط نزدیکان و اطرافیان به صورت شخصی صورت می‌گرفت، گاه کاروان‌هایی برای انتقال اجساد به راه می‌افتاد. این کاروان‌ها شهر به شهر اجساد را جمع کرده و سپس رهسپار شهر مورد نظر (عتبات، قم یا مشهد) می‌شدند. سیاحان خارجی این امر را در سفرنامه‌های خویش به خوبی به تصویر کشیده‌اند. بروگش در سفرنامه خود شرحی از کاروانی از اجساد ارائه نموده است که به منظور دفن شدن در قم به سوی آن شهر رهسپار بود. به گفته وی حیوانات بارکش این کاروان کیسه‌هایی طناب پیچ شده در دو سوی خود را حمل می‌کردند. هر حیوان دو کیسه در دو سوی خود داشت که در آنها اجساد قرار داشتند. (بروگش، ۱۳۶۷: ۵۵۳)

در سفرهای آرمینوس وامبری نیز شرحی در باب کاروانی از مردگان که رهسپار عتبات بوده است، ارائه شده است. به گفته وامبری بوی تعفن اجساد در فاصله‌ای بسیار دور از کاروان مذکور به مشام می‌رسید و موجب آزار و اذیت مسافران شده بود؛ به طوری که همگان تلاش می‌کردند به سرعت از کاروان مزبور فاصله گرفته و هرچه زودتر از آن دور شوند:

... حدودهای نیمه‌شب بود که صدای زنگوله‌هایی به گوش رسید .. هنوز به یک صد قدمی آنها نرسیده بودیم، که بوی زننده تحمل‌ناپذیری، همانند تعفن اجساد، هوا را پر کرد... لحظاتی بعد... به آن کاروان رسیدیم. کاروان حامل مرده‌ها شامل حدود چهل حیوان، اسب قاطر، بود... بار قاطرها تابوت بود... به کنار قافله سالاراندم و مقصود خاص سفر او را جويا شدم... گفت ده روز است که سفر می‌کند و بیست روز دیگر طول می‌کشد تا اجساد مردگان را به کربلا برساند... گاهی دو ماه طول می‌کشد تا جسد به مقصد برسد. هر قاطر چهار تابوت می‌برد؛ حمل آنها در طول زمستان کاری نسبتاً بی‌زیان است، اما در هوای سوزان ایران هم بر انسان و هم بر حیوان‌های بارکش تأثیر مریگیاری می‌نهد... (وامبری، ۱۳۷۲: ۹۲-۸۹)

انتقال جنازه‌ها در دوره قاجار از سرزمین هند به مشهد نیز معمولاً از طریق راه دریایی و گاه نیز از مسیرهای زمینی صورت می‌گرفت. انتقال اموات در مسیرهای زمینی، در راه‌هایی که مسافران و بازرگانان برای ارتباط میان دو کشور استفاده می‌کردند، صورت می‌گرفت. در مسیرهای دریایی نیز جنازه‌ها در کنار سایر کالاهای تجاری همراه با کشتی‌های تجاری از بندر بمبئی به بندر بوشهر حمل شده و سپس در بوشهر از کشتی پیاده شده و از مسیرهای خشکی به سوی سرزمین خراسان حمل می‌شدند و در صورتی که قصد انتقال جنازه به عتبات بود، به سوی عراق و عثمانی رهسپار می‌گردید. (خدیجه نظام مافی، ۱۳۹۱: ۳۱/۱) جنازه‌ها معمولاً در مسیرهای تجاری

بایست از قرنطینه‌ها نیز عبور می‌کردند و از آنجا که همواره بیماری‌های واگیردار در این دوره امکان شیوع داشت و انتقال جنازه‌ها در این امر بسیار مؤثر بود، معمولاً در محل‌های قرنطینه در نقاط ساحلی و مرزی مشکلاتی پدید می‌آمد. از سوی دیگر به واسطه سیطره بریتانیا برهند و اهمیت تجارت آن کشور در ایران، در زمان شیوع بیماری‌ها معمولاً مأموران آن دولت به انتقال جنازه‌ها از هند به ایران یا دیگر اماکن مقدس خرده گرفته و با آن مقابله می‌کردند (مشروطیت جنوب ایران به گزارش بالیوز بریتانیا در بوشهر در سال‌های ...، ۱۳۸۶: ۱۸)، از این روش شیعیان هند به راه‌های مختلفی همچون توسل به دولتمردان، قاچاق جنازه‌ها و راهکارهایی از این قبیل روی می‌آوردند که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

بررسی تطبیقی چالش‌های انتقال اموات به اماکن مقدس

در این بخش چالش‌ها و مشکلات موجود در مسیر انتقال اموات به اماکن مقدس برای ایرانیان و هندی‌ها در عصر قاجار ارائه خواهد شد. شایان ذکر است که چون دسترسی به منابع هندی محدود بود، بر اساس اسناد وزارت خارجه ایران در دوره قاجار، چالش‌های شیعیان هند در این زمینه بررسی خواهد شد.

گفته شده گاه جنازه‌ها پس از مرگ چندین ماه یا چندین سال تا هنگام انتقال به مکان‌های مقدس بر زمین می‌ماندند. معمولاً تا هنگام رسیدن زمان مناسب برای انتقال جسد به اماکن مقدس، اجساد مدتی در مکان‌های مختلف به امانت سپرده می‌شدند. این اجساد در مدارس، مساجد یا قبرستان‌ها در مکان‌هایی که به گفته شاردن چهارخانه بود، قرار داده می‌شدند یا در کفن و پارچه پیچیده شده و حفظ می‌شدند و به طریقی از این قبیل نگهداری می‌شدند و سپس به اماکن مقدس منتقل می‌شدند. (شاردن، ۱۳۷۴:

۱. بالیوز از کلمه لاتین Bajulus به معنی قیم، فرستاده و کنسول و همچنین نماینده سیاسی، نظامی یا بازرگانی مقیم گرفته شده است. (اسناد رسمی در روابط سیاسی ایران با انگلیس و روس و عثمانی، ۱۳۶۵/۱: ۱۴۵)

۱۵۳۶ / ۴) بدین ترتیب افزون بر روش انتقال که خود سراسر مشکل بود، طریقه نگهداری اجساد تا زمان انتقال نیز باعث بیماری و مشکلات فراوانی می شد. معمولاً گرمای شدید در ایران و هند که در اغلب ماه‌های سال در بیشتر مناطق غالب بود و همچنین طولانی بودن مسیر و نیز عدم رعایت بهداشت از سوی کاروان‌های انتقال اجساد، مسائل و مشکلات فوق را در پی داشت. گرترو بل که در این دوره در ایران حضور داشت، یکی از شیوه‌های نگهداری اجساد تا هنگام انتقال به اماکن مقدس را شرح داده و این عمل را سبب شیوع انواع بیماری دانسته است:

... در قبرهای کم عمقی قرارشان می دهند و با طاقی آجری روی شان را می پوشانند و این خود مایه بوی وحشتناک در اطراف گورستان، پس از بروز ویا بود. چند ماه بعد و پیش از آنکه گذشت زمان میکروب‌های بیماری‌زا را از میان ببرد، این اجساد را بیرون می آورند... و بار قاطر کرده به سوی آرامگاه دور دستشان حمل کرده به احتمال نه چندان کم در مسیرشان بذر شیوع دوباره بیماری را می افشانند... (بل، ۱۳۸۳: ۵۴)

بدین ترتیب به گفته منابع، نگهداری اجساد پیش از انتقال و سپس در هنگام انتقال آن به شیوع بیماری‌های مسری مانند طاعون، حصبه و وبا منتقل می گردید. (بل، ۱۳۸۳: ۵۴)

مشکلات بهداشتی مذکور سبب شد برخی پزشکان عصر مذکور به این اعمال اعتراض کنند و سعی در جلب نظر شاه برای توقف این کار نمایند؛ برای مثال گفته شده، دکتر پولاک و دکتر کلو، که از پزشکان خارجی ایران در عصر ناصری بودند، به امانت سپردن اجساد به روش‌های غلط و سپس نبش قبر آنها که گاه به سبب برخی بیماری‌های واگیردار چون حصبه، وبا و طاعون فوت شده بودند و سپس نحوه اشتباه انتقال آن به اماکن مقدس را مورد انتقاد قرار داده و کوشیدند نظر ناصرالدین شاه را برای ممانعت از این عمل خطرناک جلب کنند. در این راستا ناصرالدین شاه نیز فرمان داد نبش قبر و انتقال اجساد به اماکن

مقدس باید متوقف گردد؛ اما به واسطه اعتقاد شدید مردم به این عمل، این فرمان با انتقاد شدیدی مواجه و ترتیب اثر نیافت. (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۰)

به تدریج با رشد سواد و آگاهی برخی طبقات جامعه، قانون‌های سخت‌تری برای مقابله با به امانت سپردن اجساد و انتقال آنها وضع گردید؛ برای مثال به گفته وقایع اتفاقیه در سال ۱۳۰۰ق در شیراز بیماری مسری شیوع یافت و به سبب آن افراد بسیاری مبتلا و فوت شدند. در همان زمان گفته شد این بیماری به سبب جنازه‌هایی که در مقبره «بی‌بی دختران» به امانت سپرده شده و به واسطه عدم نگهداری مناسب، توسط حیوانات بیرون کشیده و دریده شده بودند، شیوع یافته است. از این رو به واسطه برخی اعتراضات و نگرانی از تشدید وضع مذکور، از سوی حکومت فرمانی برای رسیدگی هرچه سریع‌تر به وضعیت اجساد به امانت سپرده شده در بقاع مختلف شهر صادر گردید. بر اساس فرمان مذکور قرار شد کدخدایان محلات به وضعیت جنازه‌های به امانت سپرده شده در مکان‌های مختلف رسیدگی کنند و زمینه لازم برای انتقال هرچه سریع‌تر جنازه‌ها به اماکن مقدس و یا دفن در قبرستان را فراهم سازند. (سیرجانی، ۱۳۶۲: ۱۷۶-۱۷۵)

مشکلات پیش آمده باعث شد دولت‌های ایران و عثمانی دست به ایجاد تدابیری در مناطق مرزی بزنند. بر اساس اصول بهداشتی و حفظ الصحه قرار شد تنها اجسادی که سه سال از مرگ آنها گذشته بود و به علتی غیر از امراض مسری مرده بود، اجازه گذر از مرزها را داشته باشند (طباطبایی مجد، ۱۳۷۳: ۳۶۰). علاوه بر این ایجاد قرنطینه‌ها به منظور بررسی دقیق اجساد، تدبیر دیگر دولت‌های ایران و عثمانی در مرزها در مقابل اجساد آلوده بود. در صورتی که اجساد به طور کامل خشک نشده بودند و یا علائمی از بیماری‌های مسری در آنها دیده می‌شد، جنازه‌ها اجازه ورود به ایران یا عثمانی را نیافته و گاه در مرزها امحا می‌شدند (آتش زده شده و یا در گورهای دسته جمعی دفن می‌شدند). قرار دادن حق گمرک بر جنازه‌ها از جمله راهکارهایی بود که به منظور

کاهش انتقال اموات در نظر گرفته شد (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ۱۳۶۹: ۴۰/۵؛ آتش، ۱۳۹۰: ۶۰). در ادامه چالش‌های موجود در هنگام انتقال اجساد ارائه خواهد شد.

ایران

بر اساس منابع معمولاً انتقال اجساد به روش‌های مناسبی صورت نمی‌گرفت. معمولاً اجساد در میانه راه بر زمین افتاده و احياناً تابوت و کفن دچار شکستگی و پارگی و پراکندگی تکه‌های جسد در اطراف و اکناف مسیرها می‌شد و اگر متوفی از بیماری و آگیرداری مرده بود، این‌گونه حوادث احتمال شیوع مجدد بیماری را ممکن می‌ساخت (به‌ویژه در صورتی که زمان زیادی از مرگ آن نگذشته بود). تاج‌السلطنه دختر ناصرالدین شاه که در حین یکی از سفرهایش به قم شاهد انتقال اجساد بدان شهر بوده است، در سفرنامه خود از نحوه غلط انتقال اجساد و سپس طریقه غیراخلاقی دفن آنها در برخی موارد سخن گفته است. به گفته وی معمولاً اجساد را در تابوتی قرار داده و سپس تابوت‌ها را به منظور اینکه بوی اجساد کمتر در هوا پراکنده شود، در نمدهایی می‌پیچیدند؛ سپس تابوت‌ها را بر قاطرها سوار کرده و کاروان به راه می‌افتاد. از آنجاکه معمولاً اجساد از اطراف و اکناف کشور به سوی مشهد، قم یا عتبات گسیل می‌شدند، معمولاً کاروان‌ها راه درازی را باید می‌پیمودند تا به مقصد برسند. در مسیر لازم بود در هر منزل، تابوت‌ها از روی قاطرها پایین گذاشته شوند تا حیوانات استراحت کرده و جو و علوفه بخورد. در حین پایین گذاشتن بار قاطرها، گاه تابوت‌ها از روی قاطر بر زمین افتاده و اجساد آسیب می‌دیدند و تابوت‌ها می‌شکستند. بدین ترتیب تا هنگام رسیدن به اماکن مقدس این تابوت‌ها کاملاً خرد و شکسته می‌شدند و کفن نیز پاره شده و سر و دست اجساد که به واسطه گذر ایام دچار فساد شده بود از بدن جدا می‌شد یا استخوان‌ها پراکنده می‌شدند. به گفته تاج‌السلطنه از آنجاکه تعداد قبرها

نسبت به مرده‌ها کمتر بود و هرروزه بر تعداد اجساد که برای دفن به قم فرستاده می‌شدند، افزوده می‌شد، زمانی که اجساد به قم می‌رسید به واسطه نبود جای جدید، قبرهای قدیمی‌تر را که پیش‌تر به واسطه کمبود جا در آن چند مرده گذاشته شده بود، مجدداً باز کرده و مرده جدید را روی دیگر مرده‌ها گذاشته و مقداری خاک بر روی آنها می‌ریختند. (تاج‌السلطنه، ۱۳۷۱: ۱۰۳-۱۰۲) بدین ترتیب عملی که به منظور به دست آوردن بهشت و شفاعت ائمه صورت می‌گرفت، به روشی غلط و حتی خلاف اصول مذهبی تبدیل شده بود.

از طرف دیگر در هنگام انتقال اجساد به عتبات عالیات مشکلات فراوانی پیش می‌آمد. به سبب بروز و شیوع بیماری‌های مختلف و همچنین بیماری‌های واگیردار، دولت عثمانی در مرزهای خود اقدام به ساخت برخی پایگاه‌ها برای قرنطینه زوار و نیز بررسی نمودن اجساد نموده بود. معمولاً جنازه‌ها در مرز چندین روز نگهداری می‌شدند، پس از بررسی‌های لازم در صورت گذشتن سه سال از مرگ متوفی، اجازه ورود آن به عثمانی داده می‌شد (به سبب مسائل بهداشتی). در این میان برخی جنازه‌ها اجازه ورود به عثمانی را نمی‌یافتند. از آنجاکه امکان بازگرداندن آنها نبود، این جنازه‌ها در پشت مرزها، در گورهای دسته‌جمعی به خاک سپرده می‌شدند؛ از سوی دیگر اگر علائمی از بیماری‌هایی چون وبا یا طاعون در جسد دیده می‌شد، جسد در همان محل توسط مأموران عثمانی سوزانده می‌شد. این عمل به شدت از سوی مردم ایران و همچنین برخی علما مورد اعتراض قرار گرفت. (اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ۱۳۶۹: ۵ / ۴۰) راهکار دیگر عثمانی برای کاهش این کار، دریافت حق گمرکی برای انتقال جنازه‌ها بود. (آتش، ۱۳۹۰: ۶۰) بر جنازه‌ها نیز مانند اجناس و امتعه و زائران و مسافران حق گمرکی تعیین شده بود.

با این حال گمرک، قرنطینه و بررسی اجساد مانع ورود اموات به خاک ایران و عثمانی

نشد. مردم برای پیشبرد منظور خویش دست به قاچاق اجساد برای عبور از مرزها زدند. براساس منابع گاه اجساد را تکه تکه کرده و در زیرلباس خود پنهان نموده و از مرز گذر می کردند، روش دیگر انتقال اجساد، تکه تکه کردن جسد و پنهان کردن در میان کالاها و اجناس تجاری همچون زعفران که بوی تعفن اموات را کاهش می داد، بود. گفته شه حتی اجساد را پودر کرده و با آرد مخلوط کرده و از مرز عبور می دادند. (گروته، ۹۹-۹۸؛ دالمانی، ۱۳۳۵: ۴۰۱/۱)

هند

همان گونه که انتقال جنازه های شیعیان ایران به عتبات در نقاط مرزی با مشکلاتی از سوی مأموران عثمانی و دستگاه های قرنطینه مواجه می شد، شیعیان هند نیز در هنگام انتقال جنازه به ایران، با همان مشکلات مواجه بودند. به واسطه شیوع مکرر بیماری های واگیردار در این دوره، ایرانیان نیز می کوشیدند از ورود جنازه به قلمرو خود ممانعت کنند. در این دوره حفظ الصحه ایران زیر نظر پزشکان خارجی و به ویژه پزشکان دولت بریتانیا که در این دوره کنترل هند را نیز در اختیار داشتند، قرار داشت. آنها به منظور مقابله با انتشار بیماری های در حوزه حکمرانی خویش و نیز مسیره های تجاری، با عمل انتقال اموات مخالف و به شدت سعی داشتند این عمل را متوقف سازند. (مشروطیت جنوب ایران به گزارش بالیوز بریتانیا در بوشهر در سال های ...، ۱۳۸۶: ۱۸). یکی از مشغولیت های آنها، ممانعت از ورود اموات از هند به ایران بود. آنها به شدت و با سختگیری از ورود اجساد از آن کشور به ایران مقابله می کردند. از دیگر راهکارهای دولت ایران اخذ گمرک از جنازه ها در مرزها و بنادر جنوبی بود (سازمان اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال ۱۳۲۴، کارتن ۶، پوشه ۸، ص ۵۱). دولت های ایران و عثمانی تلاش داشتند با اخذ گمرک از ورود جنازه ها به قلمرو خود بکاهند اما این کار تأثیر چندانی در برنداشت. جنازه ها کم و بیش به روش های

گونگون به ایران وارد می‌شدند. در این راستا تمهیداتی دیگر برای این کار اندیشیده شد. حفظ‌الصحه و قرنطینه ایران نیز همچون عثمانی تأکید داشتند تنها جنازه‌هایی که به مرگ طبیعی فوت شده باشند، حق ورود به خاک ایران و دفن در مشهد را دارا خواهند بود (اسنادی از روابط ایران و هند در دوره مظفرالدین شاه قاجار، ۱۳۷۶: ۳۸۵). با این حال از آنجا که اثبات این مسئله برای نزدیکان متوفی مشکل بود و یا جنازه‌های به بیماری مسری فوت شده بودند، معمولاً دست به دامن افراد متنفذ در ایران و هند شده تا کار خود را پیش ببرند. در این راستا به‌طور مثال براساس اسناد موجود در بایگانی‌ها وزارت خارجه مربوط به دوره قاجار، چهار جسد از شیعیان هند به وساطت یک روحانی متنفذ به نام میرزا مصطفی آشتیانی (فرزند میرزا حسن آشتیانی عالم برجسته عصر قاجار) از هند به مشهد منتقل گردید. به گفته منابع میرزا مصطفی با درباریان و دولتمردان قاجار ارتباط نزدیکی داشت و از این مسئله برای پیشبرد کارهای خویش بهره می‌برد (عین‌السلطنه، ۱۳۷۷: ۳ / ۲۳۷۳). تجار و بازرگانان بانفوذ هندی، با استمداد از آشتیانی قصد داشتند چهار جنازه که براساس گواهی حفظ‌الصحه بمبئی طی سال‌های ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۲ق به واسطه سکت، زخم و پیری فوت شده بودند، را به مشهد منتقل نمایند. در این کاریکی از روحانیون برجسته بمبئی به نام ثقه‌الاسلام آفاسید تقی مجتهد نیز دست به توصیه زده بود (سازمان اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه، س ۱۳۲۵، کارتن ۶، پوشه ۷، ص ۶۴؛ سازمان اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه، س ۱۳۲۵، کارتن ۶، پوشه ۷، ص ۷۱). از سوی دیگر آشتیانی با توسل به وزیر خارجه وقت در پی کسب مجوز ورود جنازه‌ها به ایران بود. وزیر خارجه، آشتیانی را به اداره حفظ‌الصحه ایران معرفی نمود و با اینکه این مسئله ماه‌ها طول کشید، اما در نهایت در سال ۱۳۲۵ق دکتر کوپن رئیس فرانسوی وقت حفظ‌الصحه اجازه ورود جنازه‌های مذکور را به ایران صادر کرد. (سازمان اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه، س ۱۳۲۵، کارتن ۶، پوشه ۷، ص ۷۱)

راهکار دیگر شیعیان هند برای انتقال جنازه‌ها به مشهد اقدام به قاچاق جنازه و یا ساخت مدرک جعلی و تقلبی برای اجساد بود. در دوره قاجار ایران، در بنادر جنوبی و مرزهای شرقی با معضل قاچاق اجساد روبه‌رو بود (ابوالحسن غفاری، ۱۳۸۲: ۳۶۳). از آنجاکه در این دوره حفظ‌الصحه قوانین سختی برای انتقال جناز در نظر داشت، این‌گونه اعمال روی می‌داد.

بر اساس اسناد موجود چون انتقال جنازه‌های تازه فوت شده به ایران ممنوع بود (به واسطه امکان شیوع بیماری‌های مسری که احتمال داشت فرد به واسطه آن فوت شده بود)، معمولاً تاریخ فوت جنازه دستکاری و تغییر داده می‌شد با توجه به اینکه پس از مدتی مأموران قرنطینه و حفظ‌الصحه از این کار مطلع شدند، با امید به اینکه قاچاق جنازه تا حدی کاهش یابد، اعلام شد که جنازه‌هایی که سه سال از مرگ آنها گذشته باشد، تنها با ارائه گواهی یا «تصدیق» از سوی کنسولگری ایران در کلکته یا بمبئی مجوز ورود به ایران را خواهند یافت (سازمان اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه، س ۱۳۲۷، کارتن ۳۶، پوشه ۲۱، ص ۲؛ سازمان اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه، س ۱۳۲۸، کارتن ۳۶، پوشه ۱۳، ص ۲).

بر اساس اسناد روش دیگر تهیه اسناد تقلبی برای متوفی بود. از آنجاکه بر اساس قوانین قرنطینه و حفظ‌الصحه اجساد که کمتر از سه سال از فوتشان گذشته بود، اجازه ورود به ایران را نداشتند، و نیز باید از حفظ‌الصحه و جنرال کنسولگری ایران در هند مجوز حمل اموات به ایران را دریافت می‌کردند، اگر جنازه‌ای تازه و به واسطه بیماری مسری فوت شده بود، معمولاً جنازه و مدارک فردی که بیش از سه سال از مرگ به واسطه عاملی غیرمسمری گذشته بود را به جنرال کنسولگری تحویل داده و با دریافت مدارک لازم، اقدام به حمل اموات مورد نظر خود می‌کردند:

به موجب راپرتی که به وزارت خارجه رسیده بعضی‌ها از هندوستان جناز

امواتی که جدیداً به امراض مسریه فوت نموده‌اند برای دفن به اماکن مقدسه به ایران حمل می‌کنند و برای اینکه تصدیق اطبای آنجا را نیز تحصیل کرده باشند اشخاصی که در سه چهار سال قبل از امراض عادیه فوت شده‌اند به طبیب معرفی و به اسم او تصدیق‌نامه تحصیل می‌کنند، در موقع حمل آن جنازه را که منظورشان است حمل می‌کنند... (سازمان اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه، س ۱۳۲۸، کارتن ۳۶، پوشه ۱۳: ۲).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه

به واسطه همسایگی ایران و هند و برقراری مراودات طولانی میان دو کشور و به ویژه انتشار تشیع تحت تأثیر فعالیت‌های شیعیان ایرانی در حوزه شبه‌قاره هند، باورها و آداب شیعیان هند در دوره قاجار تا حد زیادی با باورهای شیعیان ایران مشابه بود. از جمله باورها و اندیشه‌های قابل تطبیق ایرانیان و هندی‌ها دفن اموات در اماکن مقدس به هدف کسب شفاعت امام و امامزاده در سرای آخرت بود. شیعیان ایران به عشق امام علی (ع) و امام حسین (ع) و امام هشتم (ع) و حضرت معصومه (س) در آرزوی دفن در جوار قبور ایشان در عتبات عالیات و مشهد و قم بودند و شیعیان هند نیز سودای دفن در مشهد و در کنار مرقد امام هشتم و نیز عده‌ای در عتبات بودند، اما از آنجا که مرقد امام هشتم (ع) در مشهد به آنان نزدیک‌تر بود، غالباً اموات خود را برای دفن به ایران می‌فرستادند.

در این میان بُعد مسافت و گرمای هوا در سرزمین ایران و عراق به فساد سریع اجساد و انتشار بوی تعفن و مشکلاتی از این قبیل منجر می‌شد و انتقال اجساد را با مشکل مواجه می‌ساخت. انتشار مداوم و همه‌ساله بیماری‌های مسری که تا حدی متأثر از انتقال اموات به مکان‌های مقدس بود، مشکل مهمی در این زمینه بود. غالباً اجساد که از بیماری‌های مسری جان باخته بودند در هنگام گذر از شهرها و روستاها جهت انتقال به اماکن مقدس موجب انتشار ویروس بیماری مجدد بیماری می‌شدند. در این راستا قرنطینه‌ها و حفظ‌الصحه که در دوره قاجار در راستای مبارزه و مقابله با بیماری‌های همه‌گیر ایجاد شده بودند، مؤکداً به مقابله با انتقال اجساد به ویژه اجساد که از بیماری مسری فوت شده بودند، پرداختند. در این راستا در مرزهای ایران و عثمانی در مقابل انتقال اجساد ایرانیان به عتبات و انتقال اجساد هندی‌ها به ایران، قرنطینه‌ها از ورود اجساد مشکوک (اجساد که از بیماری‌های مسری فوت

شده بودند) ممانعت می‌کردند، حتی گاه اجساد مشکوک در مرزهای ایران و عثمانی به آتش کشیده می‌شدند و این امر به شدت با آداب و عقاید دینی مسلمین و شیعیان مخالف بود و منجر به نگرانی‌ها و اعتراضاتی می‌شد؛ از سوی دیگر در مرزهای ایران نیز برای شیعیان هند دقیقاً وضعیتی مشابه برقرار بود. چون از ورود اجساد مشکوک ممانعت می‌شد، هندی‌ها و ایرانی‌ها با توسل به اشخاص بانفوذ یا ساخت مدارک تقلبی برای جنازه‌ها سعی در انتقال اجساد به عتبات و مشهد را داشتند. در این میان مشکلات و چالش دیگری که در مسیر انتقال اموات وجود داشت، هزینه‌های گزاف گمرک ایران و عثمانی بر جنازه‌ها بود. از این رو مردمی که توانایی پرداخت هزینه‌های گمرک را نداشتند با پنهان کردن استخوان اموات در میان سایر اجناس و کالاهای تجاری، آنها را از مرزها عبور می‌دادند.

بر اساس مطالب فوق باور شیعیان ایران و هند به دفن اموات در اماکن مقدس در شرایط نابسامان بهداشتی و نیز راه‌ها و مسیرهای ناهموار و طولانی، آنها را دچار مشکلات و چالش‌هایی مشابه نموده بود که به واسطه شرایط اجتماعی، بهداشتی و طبیعی مشابه تا حد زیادی با یکدیگر قابل تطبیق هستند.

منابع

اسناد

- آتش، صبری .. (۱۳۹۰). «نخش کشی به عتبات». ترجمه نازلی کامواری. فصلنامه ایران نامه. سال ۲۶. شماره ۱ و ۲. صص ۷۰-۳۷.
- اسناد رسمی در روابط سیاسی ایران با انگلیس و روس و عثمانی. (۱۳۶۵). به اهتمام غلامحسین میرزاصالح. تهران: نشر تاریخ ایران.
- بداؤنی، عبدالقادر بن ملوکشاه. (۱۳۷۹). منتخب التواریخ. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بروگش، هاینریش کارل. (۱۳۶۷). سفری به دربار سلطان صاحبقران. ترجمه کردیچه. تهران: اطلاعات.
- بل، گرتود. (۱۳۶۳). تصویرهایی از ایران. ترجمه بزرگمهر ریاحی ریاحی. تهران: خوارزمی.
- پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۸). سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان). مترجم کیکاووس جهاننداری. تهران: خوارزمی.
- تاج السلطنه. (۱۳۷۱). خاطرات تاج السلطنه. به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی). تهران: نشر تاریخ ایران.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۲). آثار اسلامی مکه و مدینه. قم: مشعر.
- جلالی فراهانی، احمد. (۱۳۷۶). اسنادی از روابط ایران و هند در دوره مظفرالدین شاه قاجار. (۱۳۷۶). به کوشش احمد جلالی فراهانی. تهران: اداره انتشار اسناد وزارت امور خارجه.
- جنید شیرازی، معین الدین معین الدین ابوالقاسم ابوالقاسم. (۱۳۲۸). شد الازار فی حط الازار عن زوار المزار. به تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال آشتیانی. تهران: چاپخانه مجلس.
- جهانگیر میرزا. (۱۳۸۴). تاریخ نو. به تصحیح عباس اقبال آشتیانی. تهران: نشر نثر علم.
- حسینی فسایی، حاج میرزا حسن. (۱۳۶۷). فارسنامه ناصری. به تصحیح و تحشیه دکتر منصور رستگار فسایی. تهران: امیرکبیر.
- خدیجه نظام مافی. (۱۳۹۱). حکومت بوشهر: اسناد و مکاتبات رضاقلی خان سالار معظم نظام السلطنه مافی. (۱۳۹۱). به اهتمام خدیجه نظام مافی. تهران: نشر تاریخ ایران.
- دالمانی، هانری رنه دو. (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری. ترجمه علی محمد فره‌وشی.

تهران: ابن سینا وابن سینا و امیرکبیر.

رضوی، اطهر عباس. (۱۳۷۶). شیعه در هند. مترجم واحد ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی. جلد ۱. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

سازمان اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران. س ۱۳۲۵. کارتن ۶. پوشه ۷. ص ۷۱.

سازمان اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران. س ۱۳۲۵. کارتن ۶. پوشه ۷. ص ۶۳.

سازمان اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران. س ۱۳۲۷. کارتن ۳۶. پوشه ۲۱. ص ۲.

سازمان اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران. س ۱۳۲۸. کارتن ۳۶. پوشه ۱۳. ص ۲.

سپهر، عبدالحسین عبدالحسین خان .. (۱۳۸۶). مرآت الوقایع مظفری. جلد ۲. به تصحیح عبدالحسین نویسی. تهران: میراث مکتوب.

سرنا، کارلا .. (۱۳۶۳). مردم و دیدنی‌های ایران: سفرنامه کارلا سرنا. ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: نشر نو.

سعیدی سیرجانی، علی اکبر .. (۱۳۶۲). وقایع اتفاقیه: مجموعه گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس در ولایت جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ قمری. تهران: آسیم.

شاردن، ژانژان .. (۱۳۷۴). سفرنامه. ترجمه اقبال یغمایی. تهران: توس

شیل، مری .. (۱۳۶۸). خاطرات لیدی شل. ترجمه حسن ابوترابی‌ان. تهران: نشر نو.

شیمل، آنه ماری. (۱۳۸۶). در قلمرو خانان مغول. مترجم فرامرز نجد سمیعی. تهران: امیرکبیر.

صالح، غلامحسین. (۱۳۶۵). کتاب. 

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر .. (۱۳۶۵). تاریخ الرسل و الملوک. جلد ۴. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات اساطیر.

عین السلطنه سالور، قهرمان میرزا .. (۱۳۷۷). روزنامه خاطرات عین السلطنه. به کوشش ایرج افشار و مسعود سالور. جلد ۳. تهران: اساطیر.

غفاری، ابوالحسن .. (۱۳۸۲). جایگاه فرانسه در تاریخ روابط خارجی ایران. تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهشی، وزارت امور خارجه ایران.

فوریه، ژوانس .. (۱۳۸۴). سه سال در دربار ایران: خاطرات دکتر فوریه پزشک ویژه ناصرالدین

شاه قاجار. ترجمه عباس اقبال آشتیانی. تهران: نوین.

گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی .. (۱۳۶۹). ج ۵ .. تهران: وزارت امور خارجه ..
گلچین معانی، احمد. (۱۳۶۹). کاروان هند. جلد ۲. مشهد: آستان قدس رضوی.
المتقی الهمدی، علی بن حسام الدین. حسام الدین. (۱۴۲۴). کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال.
جلد ۱۲. بیروت: دارالکتب العلمیه.
محمدی ری شهری، محمد .. (۱۳۷۹). میزان الحکمه. ترجمه حمیدرضا شیخی. موسسه مؤسسه
علمی فرهنگی دارالحدیث: سازمان چاپ و نشر.
مشروطیت جنوب ایران به گزارش بالیوز بریتانیا در بوشهر در سال های سالهای ۱۳۳۳-۱۳۲۳. (۱۳۸۶).
مترجمه حسن زنگنه. تهران: موسسه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.
مفید، محمد بن محمد .. (۱۴۱۳). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. قم: کنگره شیخ مفید.
میرخواند، محمد بن خواندشاه .. (۱۳۸۰). تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیا والملوک والخلفا. به
تصحیح جمشید کیانفر. تهران: خیام مرکزی.
نوروزی، جمشید و ربیعی، منیژه .. (۱۳۹۴). «نقش سادات بیهقی در تاریخ سیاسی کشمیر» ..
پژوهشنامه تاریخ های محلی ایران. سال سوم، شماره ۶. ص ۱۶۶-۱۷۹
وامبری، آرمین .. (۱۳۷۲). زندگی و سفرهای وامبری: دنباله سیاحت درویشی دروغین. ترجمه
محمد حسین آریا. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

منابع انگلیسی

Cowper.H. Swainson (1894). Through Turkish Arabia: A Journey from the Mediterranean to
Bombay by the Euphrates and Tigris Valleys and the Persian Gulf. London: H. Allen.
Ussher.John (1865). A Journey from London to Persepolis. London: Durst and Blackett.



کاروان نعش کشی به عتبات برگرفته از سفرنامه جان آشر



کاروان زیارتی همراه با اجساد- برگرفته از سفرنامه لیدی شل



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی